

ساعت پنج و سی دقیقه بامداد!؟

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

تاریخ فقط تصویر جنایات و

تیره بختی‌های بشر است.

«ولتر»

فاجعه‌ای که در شرف وقوع بود، آغاز شد. بی‌شک ابعاد این فاجعه از این نیز فراتر خواهد رفت. هیات حاکمه آمریکا و متحدینش، بدون توجه به مخالفت اکثریت مردم جهان با حمله به عراق، این جنگ خونین را آغاز کردند. جنگی که نه تنها بر علیه مردم عراق، بلکه بر علیه بشریت است. بنابراین باید با تمام امکانات بر علیه این جنگ ویران‌گر و قطع فوری آن به پا خاست. هیچ انسانی نمی‌تواند نظاره‌گر این جنگ باشد و شرمسار این عمل تاریخی نشود. تاریخ، عمل وحشیانه جنگ‌طلبان و حامیان آن را فراموش نخواهد کرد. باید در مقابل این جنگ وحشی با تظاهرات و اعتصاب‌های میلیونی مردم آزادی‌خواه، زنان، جوانان و اعتصاب کارگران ایستاد.

دقایقی پس از ساعت پنج و سی دقیقه بامداد پنج‌شنبه ۲۰ مارس ۲۰۰۳، آمریکا، جنگ خونین خود را با پرتاب موشک‌ها و انفجارهای هولناک علیه بشریت آغاز کرد. جرج بوش رییس‌جمهور آمریکا، درست پس از آن انفجارهایی که پایتخت عراق را به لرزه درآورد و مردم این شهر را با سراسیمه و وحشت از خواب بیدار کرد، با انجام یک سخن‌رانی زنده تلویزیونی، آغاز جنگ را اعلام کرد. پس از نخستین حمله، دود سیاه گسترده‌ای در جنوب بغداد به هوا برخاست و شهر در سکوت فرو رفت. مردم شهرهای عراق، از جمله کردستان سراسیمه و نگران شهرها را به سوی مناطق کوهستانی و روستایی و مرزها از جمله مرز ایران ترک می‌کنند. خبرنگار بی‌بی‌سی، از بغداد گزارش داد که زمان حمله، یعنی در روشنایی روز، غیرمنتظره بود.

رییس‌جمهوری آمریکا، ادعا کرد که جنگ طی «عملیاتی فراگیر و هماهنگ» انجام می‌شود و به پیروزی آمریکا منجر می‌گردد.

صدام حسین رییس‌جمهور عراق نیز در واکنش به حملات موشکی آمریکا به بغداد، در تلویزیون ظاهر شد و تاکید کرد که مردم و نیروهای کشورش در مقابل متجاوزان مقاومت خواهند کرد.

عملیات «طوفان صحرا» را بوش «پدر» در سال ۱۹۹۱ آغاز کرد. از آن تاریخ مردم عراق، در نگرانی و دلهره دائمی قرار دارند و اکنون نیز جنگ خونین را بوش «پسر» آغاز کرده است تا با کشتار مردم محروم این کشور، منافع کثیف اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را بر آورد سازد. مردم ستم دیده عراق، ۱۲ سال است که در اثر محاصره اقتصادی، با بحران غذایی و دارویی دست به گریبان هستند و ده ها هزار نفر نیز جان خود را از دست داده اند. همچنین در این مدت، هواپیماهای آمریکایی و بریتانیایی شهر را بمباران می کنند، اینک این دولت های «متمدن» بیش از سیصد هزار نیروهای خود را در اطراف عراق به حال آماده باش درآورده اند تا با حملات جنون آمیز مردم این کشور را به خاک و خون بکشند.

هدف آمریکا، از این جنگ، بر خلاف ادعاهایش نه «دمکراسی»، نه «آزادی» و نه خلع سلاح عراق است، بلکه هدف هیات حاکمه آمریکا، تصاحب منابع طبیعی این کشور، از جمله نفت و از این طریق گسترش سلطه امپریالیستی خود به کشورهای منطقه و جهان است. یعنی هدف اصلی آمریکا از این جنگ، برآوردن کردن نیازهای کاپیتالیستی در عصر حاضر است.

گفته شده است که آمریکا، حداقل با پرتاب سه هزار موشک، کلیه تاسیسات زیربنایی عراق، از جمله پل ها، جاده ها، شاهراه ها، سدها، شبکه های آب و برق، مدارس، بیمارستان ها، ادارات دولتی، اماکن عمومی و... را تخریب و با خاک یک سان خواهد کرد. بنا به پیش بینی سازمان ملل متحد، در این جنگ دست کم نیم میلیون نفر از مردم عراق، جان خود را از دست خواهند داد و حداقل ۶۰۰ هزار نفر نیز آواره خواهند شد.

احمد حسینی مدیر اتباع و مهاجرین خارجی و رییس ستاد بحران و آوارگان عراق وزارت کشور جمهوری اسلامی، اعلام کرده است که از بامداد امروز (پنج شنبه) و با شروع جنگ، تمامی مرزهای مشترک ایران و عراق بسته شده است. حسینی، پیش بینی کرد، در صورت طولانی شدن جنگ بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر به مرزهای ایران سرازیر خواهند شد و اکنون نیز حدود ۲۰۰ هزار آواره عراقی و کرد به طرف مرزهای ایران در حرکت هستند. با این وجود مردم آزادی خواه کردستان ایران، خودشان را برای پذیرایی از آوارگان عراقی و کرد آماده کرده اند.

پس از این فاجعه عظیم انسانی، شرکت ها و کارتل های بزرگ آمریکایی و متحدانش، بدون کم ترین احساس انسانی، برای بازسازی عراق وارد مناقصه خواهند شد. بنا به برآورد آمریکا، که گزارش آن در اکونومیست درج شده است، برای بازسازی عراق، سالانه ۲۵ میلیارد دلار هزینه لازم است. اما درآمد حاصل از فروش نفت عراق، در بهترین حالت رقمی در حدود ۱۴ تا ۱۶ میلیارد دلار خواهد بود. یعنی با تحمیل ۱۲ سال تحریم اقتصادی، پس از این نیز مردم عراق، باید سال ها در بدترین شرایط زیست و زندگی به سر برند تا بتوانند خرابی هایی را که آمریکا به بار آورده است، بازسازی

کنند. البته اگر مردم عراق بتوانند بر سرنوشت خویش حاکم باشند؟! همچنین گفته می‌شود که از هم اکنون شرکت‌های بزرگ نفتی برای خرید سهام نفت عراق، با دولت آمریکا وارد معامله شده است. در دوره‌ای از تاریخ گفته می‌شد که بورژوازی برای انباشت سرمایه، مدافع دموکراسی است و یا تاکید می‌شد که سیستم سرمایه‌داری بدون دموکراسی بورژوایی ممکن نیست. نویسندگان بورژوایی بارها به این هماهنگی میان دموکراسی و سرمایه‌داری تاکید کرده‌اند. به نظر می‌رسد که سرمایه‌داری در آغاز قرن بیست و یکم نمی‌تواند هم‌چون گذشته به اهداف اقتصادی و سیاسی خود برسد، از این رو توحش و بربریت میلیتاریسم را راه انداخته است تا از این طریق به اهداف سرمایه‌داری خود برسند. به عبارت دیگر آمریکا و بریتانیا، با دور زدن سازمان ملل، عدم توجه به نظرسنجی‌ها در رابطه با مخالفت اکثریت مردم جهان با جنگ، حتا مخالفت دولت‌های بورژوایی مانند فرانسه، آلمان، روسیه، چین و... دست به این حمله وحشیانه زدند، در واقع پایان دموکراسی بورژوایی را نیز اعلام کردند. پس از این قرار است تنها از طریق میلیتاریسم نیازهای سرمایه تامین شود. معیارهای قدیم فرو می‌ریزد و بلوک‌بندی‌های جدید شکل می‌گیرد. این جنگ در عین حال شکست سیاست‌های تاکتونی آمریکا، یعنی تلاش برای برای تک‌قطبی کردن و تنها ابرقدرت بی‌رقیب حاکم بر جهان است. اکنون تقسیم مجدد جهان و قلمرو اقتصادی، سیاسی و نظامی و بلوک‌بندی‌های جدید برای امپریالیست‌ها اجتناب‌ناپذیر شده است. تاریخ کنونی ترزا و تئوری‌های جدیدی را می‌طلبد.

بدین سان جنگ، از دل نیازهای اساسی جامعه سرمایه‌داری شعله‌ور می‌شود. جنگ ادامه سیاست از طرق دیگر است و این جنگ‌هایی که هیات حاکمه آمریکا و بریتانیا و... در دهه اخیر راه انداخته‌اند، نمی‌توان از سیاست‌های عمومی آن‌ها را جدا کرد. سرمایه‌داران هنگامی که با بحران و شکست روبه‌رو می‌شوند، راه‌های خشونت‌آمیز، سرکوب، جنگ و ویران‌گری را برای رسیدن به اهداف غیرانسانی خود انتخاب می‌کنند. به قول ناپلئون «آن قدر شکست خوردم تا راه شکست دادن را آموختم». یا فرانسوی‌ها نقل قولی دارند مبنی بر این که «مرد شکست خورده طالب جنگ بیش‌تر است». در حقیقت جرج بوش و تونی بلر، هنگامی که در نزد افکار عمومی شهروندان ضد جنگ جهان شکست خوردند و حتا در سازمان ملل نیز نتوانستند اتوریتته خود را اعمال کنند، بیش‌تر طالب جنگ شدند. در هر صورت جنگ زشت و کثیف و وحشیانه است. هیچ انسان آزادی‌خواهی و مسئولی در قبال این جنگ نمی‌تواند سکوت کند. جنگ اگر برای سرمایه‌داری بازارهای جدیدی را به وجود می‌آورد؛ جواب بحران‌هایش را می‌دهد؛ نعمت خدادادی محسوب می‌شود، بر عکس برای مردم عادی، به ویژه مزدبگیران غیر از کشتار، آوارگی، گرسنگی و فلاکت حاصل دیگری ندارد. مسلما مردم معترض و کارگران با مبارزه پی‌گیر خود می‌توانند هدف و پیشروی جنگ‌طلبان را با شکست روبه‌رو سازند و مستقیما بر تقدیر و سرنوشت خود حاکم باشند. بدین ترتیب جنگی را که امپریالیست‌ها راه

انداخته‌اند، نباید توان آن را مردم محروم، ستم‌دیده و کارگران بپردازند. امروز مبارزه علیه جنگ‌های امپریالیستی جدا از مبارزه طبقاتی نیست.

تنها نیروی مردم معترض، آزادی‌خواه، به ویژه کارگران و کمونیست‌هایی که مخالف جنگ، کشتار، فقر و فلاکت و استثمار هستند، قادرند تعرض و پیشروی سرمایه و توحش افسار گسیخته میلیتاریسم هیات حاکمه آمریکا و متحدانش را بگیرند. اگر کارگران در اروپا، آمریکا، خاورمیانه و... دست به اعتصاب بزنند و چرخ تولید را متوقف سازند، می‌توانند به طور کلی شرایط موجود را به نفع بشریت تغییر دهند و مردم آزادی‌خواه و تحت ستم عراق، کرد، فلسطین و... را از وحشت و کابوس سرکوب و کشتار برهانند. مردم خاورمیانه، تا زمانی که جواب انسانی، به حل مسئله مردم فلسطین و مردم کرد نداشته باشند، به آرامش و آسایش نخواهند رسید. باید حق تعیین سرنوشت این مردمان محروم و ستم‌دیده و رنج کشیده را به رسمیت شناخت و به اتحاد و همبستگی آزادانه، آگاهانه و داوطلبانه تاکید ورزید.

قطعا در چنین شرایطی وظیفه سنگین و مسئولانه‌ای در مقابل ما مردم آزادی‌خواه و انسان‌دوست جهان قرار دارد. باید هر چه سریع‌تر جلو بربریت آمریکا و متحدانش گرفته شود و آلترناتیو انسانی سوسیالیستی، یعنی جهانی بدون جنگ، بدون سرکوب و خون‌ریزی، جهانی بدون تخریب محیط زیست، جهانی بدون تبعیض و نابرابری، جهانی بدون گرسنگی و فقر، جهانی بدون بهره‌کشی انسان از انسان و جهانی شاد و شایسته انسان ساخت.